

تحلیل اثرات و پیامدهای برنامه‌های توسعه: آموزه‌هایی برای نهادینه‌سازی مشارکت و پایداری اجتماعی

غلامحسین کرمی^۱، کورش رضایی مقدم^۲

چکیده

طرح‌های توسعه همراه با اثرات مثبت، بصورت بالقوه دارای تأثیرات منفی مستقیم و غیرمستقیم بر محیط‌زیست طبیعی و انسانی هستند و چنان‌چه از پیش برای مدیریت آن‌ها چاره‌اندیشی نشود، نتایج نامطلوبی به دنبال خواهند داشت. در حال حاضر یکی از مهم‌ترین چالش‌های فراروی کشورهای در حال توسعه، نداشتن درک درست و دقیق از پیامدهای زیست‌محیطی و اجتماعی احتمالی اجرای طرح‌ها و پروژه‌های توسعه می‌باشد. بنابراین ارزیابی اثرات اجتماعی طرح‌های توسعه‌ای، ضرورتی انکارناپذیر است. این پژوهش به روش کیفی و توصیفی انجام شده و اطلاعات مورد نیاز از طریق مرور هدفمند اسناد و منابع تهیه گردیده است. هدف پژوهش بررسی مبانی نظری، چارچوب مفهومی، شاخص‌ها و مراحل اجرای ارزیابی اثرات اجتماعی بود. طبق یافته‌ها مداخله‌گری‌های توسعه، با ایجاد تغییرات اجتماعی به‌طور مستقیم و تغییرات زیستی - فیزیکی به‌طور غیرمستقیم، اثرات مختلفی در سطح جامعه بجا می‌گذارند. همچنین مشارکت عمومی جایگاهی محوری در ارزیابی اثرات اجتماعی دارد و مذاکره و گفتگو با جامعه میزبان پروژه، باعث اتخاذ تصمیم‌های مسئولانه اجتماعی، پاسخگویی مدیران، افزایش اثربخشی پروژه و توانمندسازی مردم می‌شود.

واژگان کلیدی: طرح‌های توسعه، ارزیابی اثرات اجتماعی، پایداری، مشارکت

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۵/۳/۱۸ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۵/۶/۱۵

^۱ دانشجوی دکتری بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز Gh.karami@shirazu.ac.ir

^۲ دانشیار بخش ترویج و آموزش کشاورزی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول) rezaei@shirazu.ac.ir

مقدمه

بررسی نتایج طرح‌های توسعه روستایی در نیمه دوم قرن بیستم نشان می‌دهد بسیاری از این طرح‌ها که برای بهبود و ارتقاء شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی کشورهای در حال توسعه اجرا می‌شوند، از موفقیت و پایداری چندانی برخوردار نیستند و نتوانسته‌اند به هدف‌های از پیش تعیین شده دست یابند؛ به طوری که ۲۰ درصد از کل پروژه‌های بررسی شده توسط بانک جهانی نتایج معین و مطلوبی داشته و موفقیت این پروژه‌ها به‌ویژه در کشورهای کم درآمد بقدری پایین بوده که در نهایت منجر به بروز اصلاحات اقتصادی و اجتماعی در این کشورها گردیده است. نرخ موفقیت پروژه‌های توسعه در کشورهای آفریقایی غالباً کمتر از ۵۰ درصد است (مجتهد و حسن‌زاده، ۱۳۸۰: ۴۶). دلیل این مدعا گرفتاری این مناطق در چنبره فقر، بیکاری، درآمد پایین و تخریب محیط‌زیست است. از نظر پژوهشگران مشارکت ندادن مردم، عدم استفاده از دانش و اطلاعات کاربردی بهره‌برداران و در نظر نگرفتن خواسته‌ها و انتظارات روستاییان در طرح‌ها، از علل ناکامی پروژه‌های توسعه است. در برخی از موقعیت‌ها، برنامه توسعه از دیدگاه عاملان آن بسیار خوب ولی از نظر جامعه میزبان، سازگار با نیازها، فرهنگ و خصوصیات محلی آنان نیست (عربیون، ۱۳۸۵: ۸۲)، زیرا به شیوه حل مشکل مبتنی بر نیازسنجی و مشارکت اجتماعی در فرآیند برنامه‌ریزی روستایی کمتر توجه می‌شود. به همین دلیل طرح‌های توسعه محلی به‌عنوان برنامه‌های عملیاتی مؤثر در توسعه روستایی با مشکل اجرایی رو به رو می‌شوند و در نتیجه هر روز بر اهمیت و ضرورت بازنگری در الگوهای رایج و توجه به فرآیند اجماع‌سازی^۱ و مشارکت مردمی و بخصوص ارزیابی اثرات اجتماعی^۲ طرح‌های توسعه افزوده می‌شود.

یکی از چالش‌های حاکم بر طرح‌های توسعه به خصوص پروژه‌های توسعه روستایی پیش‌بینی نکردن اثرات اجرای پروژه‌ها بر روستاها در مراحل تهیه و اجرای طرح‌های توسعه است. در اکثر کشورهای آسیایی، اهمیت ارزیابی طرح‌های توسعه روستایی هنوز کاملاً درک نشده است. در مواردی ارزیابی‌ها در سطحی محدود و نه به شکل نظام یافته و مبتنی بر اصول علمی، بلکه به صورت نظام‌های گزارش‌دهی داخلی انجام می‌شود. در ایران نیز به‌علت دولتی بودن و محتوای اداری امور، ارزیابی‌ها موفقیت‌آمیز و واقعی نیست (رضوانی، ۱۳۷۹: ۴۷). به همین دلیل اصلاح شرح خدمات طرح‌ها با

^۱. Consensus-making

^۲. Social impact assessment

تأکید بر پیوست فرهنگی، مطالعات زیست‌محیطی و مدیریت اجتماعی در جوامع و شناسایی گروه‌های انسانی و مرزهای طبیعی و اجتماعی متأثر از اثرات مختلف (مثبت و منفی) طرح‌ها ضرورت دارد. مرزهای اجتماعی که در بین دیگر مرزهای محدوده مطالعاتی یک پروژه اهمیت زیادی دارد؛ سطحی در پیرامون یک پروژه است که در آن کنش‌های متقابل اجتماعی مانند ارزش‌های ویژه (نظیر ساختارها و نظام اجتماعی) بر اساس جریان‌های پویای اجتماعی بین گروه‌های مختلف جامعه شکل گرفته و احتمال تغییر در این مرزها به دلیل فعالیت‌های یک پروژه وجود دارد. زیرا گروه‌های مختلف جامعه و حیات اقتصادی اجتماعی و فرهنگی آن‌ها می‌توانند تحت تأثیر فعالیت‌های مختلف پروژه قرار گیرند (منوری، ۱۳۸۷).

اثرات اجتماعی^۱ نتایج فعالیت‌های بخش عمومی یا خصوصی بر جمعیت انسانی است که باعث تغییر در سبک زندگی، کار، نقش، شیوه‌های ارتباط با دیگران و روش‌های تأمین نیازهای مردم و نوع غلبه آنان بر مشکلات زندگی می‌شود (ICGPSIA, 1994). این تغییرات علاوه بر افراد، بر نهادها، اجتماعات و نظام‌های اجتماعی بزرگ‌تر و روابط متقابل بین آن‌ها نیز تأثیر می‌گذارد (Walker et al., 2000: 514). اثرات اجتماعی، تغییرات فرهنگی از جمله تغییر در هنجارها، ارزش‌ها، باورها و اعتقاداتی که مبنای استدلال و راهنمای انسان برای شناخت خود و اجتماع است را نیز در بر می‌گیرد (ICGPSIA, 1994). بنابراین اثرات اجتماعی موضوعی چندوجهی، جامع و پیچیده بوده و فراتر از اثرات یک پروژه بر محیط فیزیکی و طبیعی است و آشنایی سیاست‌گذاران، برنامه‌ریزان و مجریان توسعه روستایی با آن به پایداری و رشد مادی و معنوی جوامع انسانی کمک شایان توجهی می‌کند.

بدلیل اهمیت ابعاد اجتماعی توسعه، ارزیابی اثرات اجتماعی اهمیتی هم‌سطح و در بسیاری موارد فراتر از ارزیابی اقتصادی و زیست‌محیطی دارد و بطور کلی به دنبال متناسب کردن طرح‌ها و پروژه‌های توسعه با مردم متأثر از آن‌هاست. در حال حاضر این رهیافت به یکی از ارکان ضروری در برنامه‌های توسعه بسیاری از کشورها تبدیل شده و مؤسسات و سازمان‌های متولی برنامه‌ریزی توسعه، آن را به‌عنوان یک ابزار استاندارد و حتی یک پارادایم نوین مدیریت در سیاست‌گذارهای خود پذیرفته‌اند.

منشأ پیدایش مفهوم ارزیابی اثرات اجتماعی به اواخر دهه ۱۹۷۰ و اوائل دهه ۱۹۸۰ و همزمان با شکوفایی اقتصادی در اثر اجرای پروژه‌های بزرگ انرژی در آمریکا بر می‌گردد و از آن زمان نیاز به مطالعات ارزیابی اثرات اجتماعی، باعث توسعه این رهیافت شد (Vanclay, 2006: 3)، اما مدت‌ها بعد از اجرای چندین پروژه مطابق با شاخص‌های ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و عمدتاً با تأکید بر مسائل محیطی و فنی در اوائل دهه ۱۹۹۰ وارد ادبیات ارزیابی اثرات شد و همزمان با توسعه تحلیل‌های

^۱. Social Impact

علمی برای ارزیابی اثرات جمعیت‌شناسی و بهداشتی و با تصویب قانون ملی زیست‌محیطی آمریکا جنبه قانونی گرفت (Tang et al., 2008: 59). این نوع ارزیابی نسبت به ارزیابی اثرات اقتصادی و زیست‌محیطی سابقه کمتری دارد، زیرا در ارزیابی‌های اولیه طرح‌های توسعه، اثرات اقتصادی و سپس اثرات زیست‌محیطی بیشتر مطرح بود. سوراخ شدن خط لوله آلاسکا و فاجعه بزرگ محیطی و اجتماعی آن، پروژه سد بزرگ آسوان در مصر و افت شدید صنعت ماهیگیری در دلتای رود نیل و کاهش قابلیت تولید کشاورزی نمونه‌هایی است که بدلیل توجه بیشتر به ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و نتایج ناگوار آن‌ها، اهمیت ارزیابی اثرات اجتماعی را بیش از پیش در جهان نمایان ساختند (خورشیددوست، ۱۳۸۲: ۲۲۲).

از سویی بررسی خاستگاه تحقیقات ارزشیابی نشان می‌دهد که رشته‌هایی چون جغرافیای انسانی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم سیاسی، مفاهیم و ابزارهای ارزیابی اثرات پروژه‌های توسعه بر مردم و معیشت آنان را توسعه داده‌اند. به‌همین دلیل ارزیابی اثرات اجتماعی حوزه‌ای بین رشته‌ای تلقی می‌شود و مدافع ورود مطالعات انسانی به حوزه عمل و اقدام است. بر خلاف دیگر روش‌های مبتنی بر علوم اجتماعی، بر پیش‌بینی، مدیریت و کاهش اثرات ناخواسته مداخلات برنامه‌ریزی شده در سطحی وسیع تأکید دارد (Asselin and Parkins, 2009: 484). این رویکرد ماهیتی پیوندی و مرکب دارد و از همگرایی تحقیقات علمی پژوهشگران و تصمیم‌سازی سیاست‌گذاران شکل می‌گیرد (Pisani and Sandham, 2006: 709).

تعاریف ارزیابی اثرات اجتماعی

به‌طور کلی ارزیابی اثرات اجتماعی، فرآیندی است که اثرات اجتماعی مداخله‌گری‌های توسعه را بررسی می‌کند و وجه تشخیص و تمایزش با ارزیابی آثار زیست‌محیطی تمرکز آن بر میزان درک و فهم و قدرت تحلیل مردم از اثرات طرح‌های توسعه است (بدری و رکن‌الدین افتخاری، ۱۳۸۲: ۲۲). برای این مفهوم از سوی صاحب‌نظران تعاریفی ارائه شده که دارای شباهت‌ها و عناصر مشترکی زیادی هستند (Vanclay, 2002 ; Vanclay, 2003 ; Backer, 2001). در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

- ارزیابی اثرات اجتماعی مطالعه اثرات بالقوه پدیده‌های فیزیکی و طبیعی، فعالیت‌های دولتی و تجاری یا هر اتفاق دیگر بر گروه خاصی از مردم است (Score, 1995).
- ارزیابی تأثیر اجتماعی، ارزیابی دگرگونی‌هایی است که برنامه‌های توسعه در روابط اجتماعی، جمعیت، ساختار و پایداری جامعه، کیفیت و شیوه زندگی، زبان، آیین‌های مذهبی، فرآیندهای سیاسی، اقتصادی، نگرش‌ها، ارزش‌ها و سلامت افراد و جامعه ایجاد می‌نمایند (Backer, 2001: 312).

- ارزیابی اثرات اجتماعی، فرآیند ارزیابی یا برآورد پیامدهای اجتماعی است که احتمالاً در اثر اجرای یک پروژه توسعه یا خط‌مشی، به‌ویژه در سطح ملی و استانی به‌وقوع می‌پیوندد (منوری، ۱۳۸۷).

بانک جهانی تا حدودی نگاهی اقتصادی اما دوسویه به ارزیابی اثرات اجتماعی دارد و معتقد است این رهیافت برای ارزیابی هزینه‌ها و سودهای مرتبط با اثرات یک پروژه و همچنین نحوه و کیفیت توزیع آن در بین ذینفعان مختلف در طول زمان به‌کار گرفته می‌شود (Pisani and Sandham, 2006: 709). همچنین روشی است که با ترکیب ابزارهای کمی و کیفی به دنبال تعیین اثرات احتمالی اجتماعی یک پروژه بر ذینفعان از یک‌سو و اثرگذاری ذینفعان بر روی پروژه از سوی دیگر است (Momtaz, 2005: 34). این تعریف به بررسی اثرگذاری کنشگران اجتماعی و جامعه میزبان بر روند اجرای پروژه‌های توسعه توجه دارد که در تعاریف قبلی به آن اشاره نشده بود.

مطابق سند منتشره از سوی کمیته بین‌سازمانی راهبردها و اصول ارزیابی اثرات اجتماعی^۱ (ICGPSIA, 1994)، ارزیابی اثرات اجتماعی تلاش برای برآورد پیامدهای اجتماعی‌ای است که ممکن است از اقدامات و سیاست‌های خاص (شامل برنامه‌ها و سیاست‌های جدید) و اجرای برنامه‌های دولتی مشخص از جمله ساخت و سازها، پروژه‌های بزرگ و اختصاص زمین‌های وسیع به پروژه‌های استحصال منابع طبیعی ناشی شوند. کمیته بین‌سازمانی در سند منتشر شده بعدی ضمن اشاره مجدد بر تعریف ارائه شده در نسخه قبلی، حوزه فعالیت ارزیابی اثرات اجتماعی را با ذکر جزئیات بیشتری مشخص نموده است که شامل پروژه‌های دولتی و خصوصی از قبیل ساختمان‌سازی، استقرار شبکه انتقال نیرو، پروژه‌های حمل و نقل، مدیریت منابع طبیعی، شیلات و حیات‌وحش و طرح‌های وسیع کاربری اراضی است (ICGPSIA, 2003: 334).

ونکی (Vanclay, 2005) معتقد است این تعریف دارای محدودیت‌هایی است. زیرا از رویکرد پیشگیری در ارزیابی اثرات برنامه‌های توسعه غافل بوده و به مدیریت، نظارت و تخفیف اثرات و همچنین مشارکت ذینفعان در طراحی مجدد پروژه‌ها و در نهایت توسعه پایدار، عادلانه و قابل پذیرش کم توجه است. اهمیت نگاه پیشگیرانه و مشارکتی در ارزیابی اثرات اجتماعی طرح‌های توسعه به این دلیل است که اثرات چنین طرح‌هایی می‌تواند از مکانی به مکان دیگر، از پروژه‌ای به پروژه‌ای دیگر، از اجتماعی به اجتماعی دیگر و حتی در بین گروه‌های مختلف درون یک اجتماع متفاوت باشند (Vanclay, 2002: 184).

^۱. Interorganizational Committee on Guidelines and Principle for Social Impact Assessment (ICGPSIA)

طبق مشهورترین تعریف ارائه شده که مورد تأیید انجمن بین‌المللی ارزیابی اثرات نیز قرار گرفته، این رهیافت چنین تعریف شده است: «ارزیابی اثرات اجتماعی در برگزیده فرآیندهای تحلیل، نظارت و مدیریت پیامدهای خواسته و ناخواسته‌ی اجتماعی (مثبت و منفی) مداخله‌گری‌های برنامه‌ریزی شده (شامل سیاست‌گذاری‌ها، برنامه‌ها، طرح‌ها و پروژه‌ها) و هر فرآیند تغییر اجتماعی دیگر است که ناشی از آن مداخله‌گری باشد و نخستین هدف آن فراهم آوردن محیط زیستی - فیزیکی و انسانی پایدارتر و عادلانه‌تر است» (Vanclay, 2003a: 6). مهم‌ترین ویژگی‌های این رهیافت بر اساس تعریف فوق عبارت است از:

۱. شامل پیشگیری، تخفیف، کاهش و نظارت با هدف مدیریت سازگار اثرات پروژه‌ها و سیاست‌گذاری‌هاست که از مراحل آغازین برنامه‌ریزی اجراء شود.
۲. می‌تواند در دامنه وسیعی از مداخلات و با حضور طیف گسترده‌ای از کنشگران به‌کار گرفته شود.
۳. به‌طور ضمنی تأکید دارد که محیط‌زیست انسانی و بیوفیزیکی و همچنین اثرات اجتماعی و بیوفیزیکی دارای ارتباط، برهم کنش و تعامل درونی هستند.
۴. هدف نهایی کلیه ارزیابی‌های اثرات، تشریک مساعی ذینفعان برای رسیدن به جهانی پایدارتر از نظر اجتماعی و اکولوژیک است (Vanclay, 2003b).

مبانی نظری و فلسفه ارزیابی اثرات اجتماعی

ارزیابی اثرات اجتماعی ابزار سنجش و مدیریت نتایج اجتماعی پروژه‌های توسعه بر مردم و بهترین شیوه تقویت فرآیند تصمیم‌گیری است، زیرا باعث افزایش آگاهی و منافع عمومی به‌دلیل حضور جمع زیادی از برنامه‌ریزان، فعالان و کلیه اعضای جامعه می‌شود (Vanclay, 2003a: 5-9). این راهبرد به ترویج و توسعه راهبردهایی کمک می‌کند که نقش مهمی در مشارکت جوامع محلی و پایداری بلند مدت پروژه‌ها داشته و با درگیر کردن ذینفعان در فرآیند توسعه، منافع اجتماعی و ظرفیت‌های محلی را حداکثر و اثرات ناسازگار اجتماعی را به‌حداقل می‌رساند (Tilt et al., 2009: 251).

ارزیابی اثرات اجتماعی از لحاظ محتوی در پایین‌ترین سطح یک ابزار، تکنیک یا روش بررسی اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی است. در سطحی بالاتر می‌تواند به‌عنوان یک روش‌شناسی مستقل و یا برابر با ارزیابی اثرات زیست‌محیطی برای مدیریت مسائل اجتماعی مداخله‌گری‌های برنامه‌ریزی شده مورد توجه باشد و در نهایت از زاویه‌ای وسیع‌تر یک پارادایم و چارچوب فعالیت برای پژوهش و عمل متخصصان علوم اجتماعی شناخته می‌شود (Vanclay, 2004: 267) که مجموعه‌ای از دانش و

ارزش‌ها را در بر می‌گیرد و بسترساز توسعه توانمندی‌های اجتماعی، ظرفیت‌سازی و تقویت سرمایه‌های اجتماعی (شبکه اجتماعی و اعتماد) است (Vanclay 2005).

از چشم‌انداز و زاویه عمل و حوزه تحت پوشش نیز در سه سطح خرد، متوسط و کلان قابل بررسی است؛ در سطح خرد، افراد، نگرش‌ها و رفتارهایشان، در سطح متوسط، کنش‌های جمعی مانند جنبش‌های اجتماعی، سازمان‌ها، اجتماعات و شبکه‌های اجتماعی و در سطح کلان، نظام‌های اجتماعی ملی و بین‌المللی و نظام‌های قانونی و سیاسی را مطالعه می‌کند (Becker, 2001: 315).

وانکلی (Vanclay, 2004: 266)، به نگاه پارادایمی به ارزیابی اثرات اجتماعی بیشتر توجه دارد و آن را فراتر از یک تکنیک و فن و یا مرحله‌ای از یک فرآیند می‌داند. وی معتقد است ارزیابی اثرات اجتماعی، فلسفه‌ای راجع به مردم‌سالاری و آزادی‌های مدنی در توسعه بوده و در یک نگاه ایده‌آل از ابعاد زیر قابل تعریف و تحلیل است:

۱. آسیب‌شناسی توسعه (از طریق شناسایی اثرات آسیب‌زا و ناخواسته برنامه‌ها)

۲. فرآیند توسعه (از طریق تعمیق مشارکت عمومی و ایجاد سرمایه اجتماعی)

۳. هدف توسعه (از طریق فراهم‌سازی فرصت توانمندسازی و بهبود کیفیت زندگی مردم)

ارزیابی اثرات اجتماعی به‌عنوان یک وظیفه اخلاقی نیز می‌تواند مورد حمایت باشد، زیرا بر شفافیت در عملکرد مجریان، خارج شدن اطلاعات طرح‌ها در انحصار گروهی خاص، گردش آزاد اطلاعات و مسئولیت‌پذیری رهبران سیاسی و مدیران توسعه نسبت به نتایج مداخله‌گیری پروژه‌ها تأکید دارند (Backer, 2001: 313). وانکلی (Vanclay, 2006: 5) معتقد است فلسفه ارزیابی اثرات اجتماعی در ابتدا محافظت از حقوق و منافع فردی و طراحی ساز و کارهایی برای پیش‌بینی، تخفیف و جبران اثرات منفی بر مردم بود، زیرا این اثرات از نظر مکانی مهم هستند، در بعد محلی منشأ اختلال و بی‌نظمی در محیط بوده و در کل با دوام و اغلب برگشت‌ناپذیرند (Tilt et al., 2009: 252). اما در مرحله بعد بر بهبود رفاه اجتماعی و تقویت معیشت پایدار کل جامعه متمرکز شد؛ زیرا علاوه بر شناسایی برون‌دادهای منفی یا ناخواسته، باید موضعی کنش‌گرایانه نیز نسبت به آثار مثبت توسعه داشته باشد. بطور کلی حمایت از کلیه ذینفعان در تعیین اهداف توسعه، پیشینه کردن برون‌دادهای مثبت و افزایش کارایی اجتماعی کم‌اهمیت‌تر از کمینه کردن آسیب‌های ناشی از اثرات منفی بر گروه‌های کوچک و بر حقوق مالکیت فردی نیست و مردم بومی خواهان سهم بودن در فواید و تأثیرات مثبت در اثر توسعه و پیشرفت پروژه‌ها هستند (Vanclay 2003b).

انجمن بین‌المللی ارزیابی اثرات همچنین به نوعی از توسعه باور دارد که بر اصول زیربنا شود و رعایت آن‌ها را مبنای توسعه پایدار می‌داند (Vanclay, 2003a: 7):

۱. احترام به حقوق انسانی باید محور و اساس تمامی اقدامات توسعه‌ای باشد.
۲. ارتقای برابری و دموکراسی باید انگیزه اصلی برنامه‌ریزی‌های توسعه بوده و تأثیرات توسعه بر اعضای آسیب‌پذیر جامعه به مهم‌ترین دغدغه تمامی ارزیابی‌ها تبدیل شود.
۳. وجود تنوع میان فرهنگ‌ها، درون فرهنگ‌ها و اختلاف میان منافع افراد و گروه‌های ذینفع باید به رسمیت شناخته شود.
۴. تصمیم‌گیری‌ها باید عادلانه، منصفانه و شفاف باشد و به علاوه این‌که تصمیم‌گیران باید پاسخگوی تصمیمات خود باشند.
۵. اعضای اجتماعی که احتمالاً از اقدامات توسعه‌ای منتفع می‌شوند یا تحت تأثیر آن‌ها قرار می‌گیرند، باید این اقدامات را بپذیرند.
۶. در این گفتمان، آراء و نظرات متخصصان نباید تنها ملاک تصمیم‌گیری درباره مداخلات توسعه‌ای باشد.
۷. کانون تمامی اقدامات توسعه‌ای باید رسیدن به نتایجی مانند ظرفیت‌سازی، توانمندسازی و تحقق بخشیدن به توانایی‌های بالقوه فردی و اجتماعی باشد.
۸. محیط‌زیست را باید در معنای وسیع‌تری تعریف کرد که شامل ابعاد انسانی و اجتماعی نیز شود. همچنین باید اطمینان حاصل کرد که به اندازه کافی به عرصه اجتماعی توجه می‌شود.

چارچوب مفهومی ارزیابی اثرات اجتماعی

ارائه طبقه‌بندی از انواع تأثیرات اجتماعی اقدامات توسعه می‌تواند راهنمای محققان در شناسایی اثرات مختلف و در بردارنده بینش‌هایی برای تحلیل انواع اثرات باشد (فاضلی، ۱۳۸۹). مدل تأثیرات اجتماعی - انسانی نتیجه فرآیندی است که در نگاره (۱) نشان داده شده است. هر اقدامی که برای توسعه صورت می‌گیرد تغییراتی در محیط طبیعی و اجتماعی ایجاد می‌کند. مداخله‌گری‌ها و برنامه‌های توسعه، با ایجاد تغییرات اجتماعی به‌طور مستقیم و تغییرات زیستی - فیزیکی به‌طور غیرمستقیم، اثرات انسانی در سطح جامعه بر جا می‌گذارند (Slootweg et al., 2001: 26). این مدل که توسط وان شوتن و همکاران (۱۳۸۸) نیز ارائه شده، نشان می‌دهد که تغییرات بیوفیزیکی و فرآیندهای تغییر اجتماعی هم تأثیرات بیوفیزیکی و انسانی به جا می‌گذارند و هم سبب تغییرات بیوفیزیکی و اجتماعی ثانویه می‌شوند.

تصریح تفاوت تغییرات اجتماعی و تأثیرات اجتماعی ضرورت دارد. به اعتقاد ونکلی (Vancly, 2003b) بسیاری از شاخص‌ها و موضوعاتی که تحت عنوان اثرات اجتماعی شناخته می‌شوند، تنها تغییرات اجتماعی هستند و برون‌دادهای بلافصل سیاست‌گذاری‌ها، طرح‌ها و برنامه‌های توسعه را نمی‌توان به‌عنوان اثرات اجتماعی قلمداد نمود. بلکه اقدامات و مداخله‌گری‌های توسعه تغییراتی را در محیط طبیعی و انسانی ایجاد نموده و بر هم کنش این تغییرات با محیط و زمینه‌ها و شرایطی که تغییرات در آن حادث می‌شوند، باعث ایجاد اثرات اجتماعی می‌گردند. چهارچوب مفهومی اسلوئنگ و همکاران (Slootweg et al., 2001: 26) که بعدها به‌وسیله ونکلی (Vancly, 2003 ; Vancly, 2002) تحلیل و تفسیر شد، تمایز میان فرآیندهای تغییرات اجتماعی و اثرات اجتماعی را به‌خوبی نمایان می‌سازد (نگاره ۱).

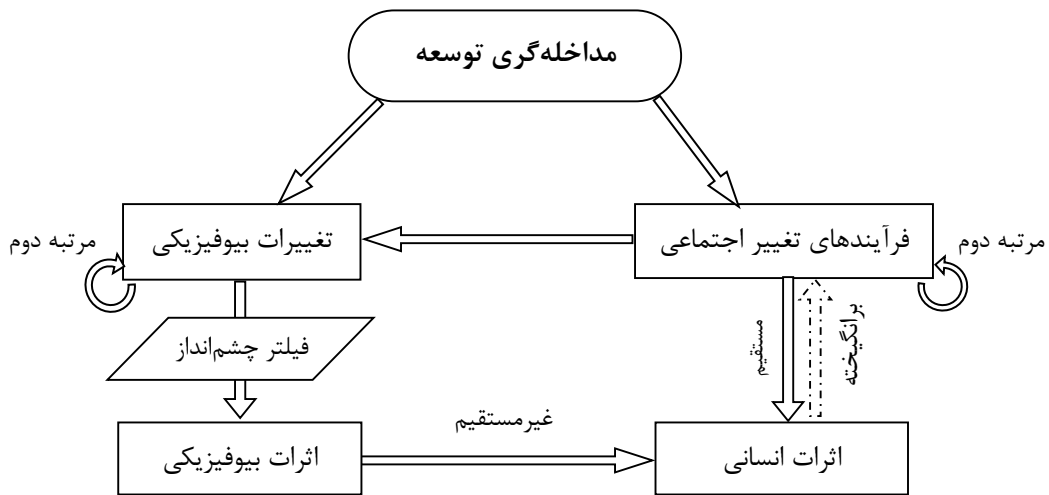
تغییرات ناظر بر وجوهی عینی هستند که به‌واسطه آن‌ها محیط طبیعی و اجتماعی زندگی تغییر می‌کنند. ممکن است این تغییرات هیچ ادراک جدیدی از وضعیت - در درازمدت یا کوتاه‌مدت - برای کنشگران انسانی ایجاد نکند و به این ترتیب موجب هیچ تأثیری نباشند. اما آن دسته از احساسات، ادراکات، تمایلات، شیوه‌ها و فرصت‌های متفاوتی که در زندگی افراد ایجاد می‌شوند، تأثیرات خواننده شده و البته خود نیز می‌توانند سبب دور جدیدی از تغییرات در محیط اجتماعی شوند. بنابراین اگر تغییرات به‌وجود آمده در محیط فیزیکی و طبیعی سبب ایجاد تغییراتی در ادراکات، کیفیت زندگی و وضعیت کلی زیست جسمی و روحی افراد و جامعه شود، آن‌گاه تأثیر اجتماعی رخ داده است. بنابراین، هر تغییری ایجاد کننده تأثیر اجتماعی نیست و از همین رو آن دسته از اقدامات توسعه‌ای که تصور می‌شود مسبب تأثیرات اجتماعی باشند، بیشتر مورد توجه ارزیابی اثرات اجتماعی هستند (فاضلی، ۱۳۸۹: ۷۶).

تأثیرات را می‌توان بر حسب زمان بروزشان نیز از یکدیگر تفکیک کرد. برخی تأثیرات به محض اعلام آغاز برنامه‌ریزی برای یک اقدام توسعه‌ای، شروع می‌شوند، برخی در مرحله اجرای اقدامات توسعه‌ای آشکار می‌شوند و پس از اتمام اقدامات توسعه‌ای نیز بر جای می‌مانند. دسته‌ای از تأثیرات هم پس از پایان پروژه بروز می‌کنند. تأثیرات، گذشته از زمان بروزشان در طول چرخه عمر یک اقدام، بر حسب اولیه، ثانویه یا انباشتی بودن نیز قابل بررسی هستند. تأثیر اولیه، مستقیماً بر اثر اقدام برنامه‌ریزی شده به‌وجود می‌آید، اما تأثیر ثانویه نتیجه غیرمستقیم اقدام است. تأثیر انباشتی محصول تعامل نتایج اقدام توسعه‌ای با بقیه تغییرات محلی، منطقه‌ای یا ملی است. وقتی طرح‌ها، سیاست‌ها و برنامه‌های دیگری نیز اجرا شوند، تأثیرات آن‌ها با تأثیرات ناشی از اقدامی که تحت مطالعه است

ترکیب خواهد شد و ارزیابی تأثیرات انباشتی ناظر بر مطالعه همین تأثیرات ترکیبی است (فاضلی، ۱۳۸۹: ۷۹).

فرآیندهای تغییر اجتماعی که به طور مستقیم از مداخلات نشات می‌گیرند و «تغییرات درجه اول» نامیده می‌شوند، می‌توانند «تغییرات درجه دوم یا چندم» ایجاد نمایند. برای مثال اسکان مجدد می‌تواند به فرآیندهای مهاجرت از روستا به شهر و تغییر در وضعیت تولید محصولات کشاورزی و مواد غذایی منتهی شود. بعلاوه تجربه اجتماعی تغییر (یعنی پیامدهای انسانی) نیز می‌تواند مردم را برانگیخته یا وادار کند تا رفتارهای دیگری را در پیش بگیرند که خود به فرآیندهای اجتماعی بیشتری منتهی می‌شود. برای مثال پیامدهای انسانی (تجربیات) منفی مرتبط با بیکاری می‌تواند فرآیند تغییر اجتماعی مهاجرت از روستا به شهر برای پیدا کردن کار را به دنبال داشته باشد. فرآیندهای تغییر اجتماعی حتی می‌توانند تغییرات زیستی - فیزیکی ایجاد کنند. به عنوان مثال توسعه اقتصادی و افزایش تعداد گردشگران یک منطقه با زمینه کشاورزی و دامداری، می‌تواند تأثیری جدی بر تغییر کاربری زمین و کیفیت منابع آب داشته باشد. این امر به نوبه‌ی خود از طریق کاهش تولیدات کشاورزی و در نتیجه کاهش سطح درآمد کشاورزان خرده مالک، پیامدهای انسانی غیرمستقیمی به بار می‌آورد (شوتن و همکاران، ۱۳۸۸: ۱۳۰-۱۱۵).

تغییرات با عبور از فیلترهای محیط طبیعی و انسانی، تأثیرات مختلفی به وجود می‌آورند. فیلتر به این معناست که افراد و گروه‌های مختلف به یک نسبت از تغییرات تأثیرپذیر نیستند و شرایط اقتصادی و اجتماعی و همچنین منابع طبیعی و فیزیکی در اختیارشان در میزان تأثیرپذیری آنان نقش دارد. به عنوان مثال در صورت احداث سازه‌های آبخیزداری و آبخوانداری در مناطق روستایی، منابع آب حاصل از آن برای همه کشاورزان به یک نسبت تأمین نمی‌شود و قطعاً کشاورزانی که اراضی کشاورزی آن‌ها به پروژه‌های اجرا شده نزدیکتر است، بیشتر منتفع می‌شوند. برعکس در صورت وقوع پدیده خشکسالی به عنوان یک تغییر بیوفیزیکی و اجتماعی، کشاورزانی که منابع آب کمتری در اختیار دارند و فاقد مشاغل جانبی هستند، دچار خسارت بیشتری می‌شوند و با اثرات بیوفیزیکی مانند شور و لم یزرع شدن اراضی و یا اثرات انسانی مانند مهاجرت، فقر، کاهش درآمد و سایر آسیب‌های انسانی و اجتماعی در سطح وسیع‌تری روبرو می‌شوند.



نگاره ۱- چارچوب تلفیقی برای ارزیابی اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی (منبع: Vanclay, 2002)

شاخص‌ها و متغیرهای ارزیابی اثرات اجتماعی

یکی از موضوعات مهم در ارزیابی اثرات اجتماعی، شناسایی شاخص‌ها و متغیرهایی است که باید بررسی شوند. ارائه لیست واحد از شاخص‌ها برای همه پروژه‌های توسعه دشوار است، زیرا هر موردی در یک زمینه خاص قرار داشته و لیست متغیرهای مورد بررسی باید همان حوزه و شرایط را پوشش دهد (Vanclay, 2002: 184). بنابراین ارزیابی اثرات اجتماعی و زیست‌محیطی نیازمند شاخص‌هایی است که علاوه بر دارا بودن مبانی علمی، از زمینه‌ها و بسترهای اجتماعی شکل گرفته و از سه جنبه اعتبار اجتماعی^۱، اعتبار علمی^۲ و خوداعتباری^۳ مورد تأیید باشد (Cloquell-Balleste et al., 2006: 82). یکی از مشهورترین چک‌لیست‌ها از شاخص‌ها و متغیرهای مورد استفاده در مطالعات ارزیابی توسط کمیته بین‌سازمانی ارزیابی اثرات (ICGPSIA, 1994) به شرح ذیل ارائه شده است:

۱. ویژگی‌های جمعیتی: این متغیر به بررسی جمعیت فعلی، تنوع قومی، نژادی و فرهنگی، جابجایی و انتقال جمعیت‌ها، ورود و خروج کارگران موقت و ساکنان فصلی و تغییرات مورد انتظار در هر کدام از زمینه‌های ذکر شده می‌پردازد.

^۱. Societatis validation

^۲. Scienciatics validiatio

^۳. Self validiatio

۲. ساختار نهادی و اجتماعی: روابط داوطلبانه، علاقه به فعالیت‌های گروهی، تغییرات درآمد و اشتغال، برابری در اشتغال برای گروه‌های اقلیت، ساختار دولت‌های محلی، روابط ملی، منطقه‌ای و محلی و ایجاد تنوع و تغییر در حوزه صنعت و تجارت را در بر می‌گیرد.
۳. منابع اجتماعی و سیاسی: توزیع قدرت، مقام و اقتدار، تشخیص و شناسایی ذینفعان مختلف و گروه‌های تأثیرپذیر و ظرفیت رهبری در اجتماع را شامل می‌شود.
۴. تغییرات فردی و خانوادگی: شامل ادراک‌ها و نگرش‌ها نسبت به خطر، سلامت و امنیت، جابجایی و اسکان مجدد، اعتماد به مؤسسات اجتماعی و سیاسی، ثبات سکونتگاهی^۱، تراکم خویشاوندی و آشنایی^۲، نگرش نسبت به سیاست‌گذاری و پروژه، شبکه دوستی و خانوادگی و بهزیستی اجتماعی^۳ می‌شود.
۵. منابع جمعی^۴: تغییر در زیرساخت‌های اجتماعی^۵، جوامع بومی، الگوهای بهره‌برداری از اراضی و عرصه‌های منابع طبیعی، تأثیر بر منابع فرهنگی، تاریخی و آثار باستانی را شامل می‌شود.
- بارج^۶ (۱۹۹۴) به‌نقل از ونکلی (Vanclay, 2002: 204) لیستی شامل ۲۶ متغیر ارزیابی اثرات اجتماعی را ارائه داده که با لیست کمیته بین‌سازمانی (ICGPSIA, 1994) شباهت زیادی دارد. در آن لیست تنها به‌جای منابع اجتماعی و سیاسی موضوع تضاد بین افراد محلی و افراد تازه وارد به محیط پروژه به‌عنوان یکی از ابعاد اثرات اجتماعی، مورد بررسی قرار گرفته است. ونکلی (Vanclay, 2002: 205) همچنین هر دو لیست را به‌صورت همزمان مورد بررسی قرار داد.
- سارینان و کهل (۲۰۰۴) لیست بارج را به‌صورت ویژه در حوزه ارزیابی اثرات پروژه‌های کاربری اراضی و آمایش سرزمین توسعه دادند. بر اساس این لیست اثرات طرح‌های کاربری اراضی در پنج حوزه تغییرات جمعیت‌شناختی - اجتماعی، تغییرات کارکردی، ویژگی‌های منطقه‌ای، سبک زندگی و رفاه و وضعیت دیدگاه‌ها و تضادها در جامعه در قالب ۲۳ متغیر بررسی شده است. هیکیند و سائرینن (Heikkined and Sairinen, 2007: 40) شاخص‌های ارزیابی اثرات طرح‌های کاربری اراضی را به شرح ذیل بررسی کرده‌اند:

1. Residential stability

2. Density of acquaintanceship

3. Social well being

4. Community resources

5. Social infrastructure

6. Burdge

۱. اجتماعی: شناسایی گروه‌های در معرض آسیب، تغییرات جمعیت‌شناختی و اجتماعی، عدالت منطقه‌ای و رفاه، اثرات توزیع و تقسیم نیروی کار بین مناطق مختلف، تمایزات و تفاوت‌ها در هویت‌های منطقه‌ای
۲. ویژگی‌های کارکردی: شبکه حمل و نقل عمومی، تعادل در ساختار خدمات منطقه‌ای، میزان دسترسی گروه‌های جمعیتی متفاوت به مناطق مختلف
۳. موضوعات تجربه شده: قرار گرفتن در مقابل فعالیت‌های خطرناک برای سلامت و آلوده‌کننده محیط، اهمیت ظرفیت‌های منطقه‌ای و ارزش‌های چشم‌اندازهای طبیعی برای مردم بومی و محلی. ونکلی (Vanclay, 2002: 183-211) به شش سیستم از محیط‌زیست انسانی شامل سیستم‌های بیوفیزیکی و سلامت، فرهنگی، اجتماعی، سیاسی - قانونی، اقتصادی و روانشناختی به‌عنوان سیستم‌های متأثر از اثرات اشاره می‌کنند. در سندی دیگر شاخص‌هایی همچون سبک زندگی مردم، فرهنگ، اجتماع، سیستم‌های سیاسی، محیط‌زیست و کیفیت آب و هوا، سلامت، رفاه اجتماعی و بهزیستی، حقوق و مالکیت شخصی و ترس‌ها، آرزوها، بیم‌ها و امیدهای مردم به‌عنوان موضوعات مورد توجه فرآیند ارزیابی اثرات اجتماعی پرداخته شده است (Vanclay, 2003a: 5-11).
- همان‌طور که در بررسی چارچوب ارزیابی اثرات اجتماعی اشاره شد، ونکلی (Vanclay, 2003b) بین تغییرات اجتماعی و اثرات اجتماعی تفاوت قائل است. بر همین اساس لیست فرآیندهای تغییر اجتماعی و اثرات اجتماعی را به‌صورت مجزا و جداگانه ارائه داده است. بنابراین در این تقسیم‌بندی، فرآیندهای تغییر اجتماعی در هفت حوزه زیر تنظیم شده است:
 ۱. جمعیت‌شناختی: تغییرات جمعیت، کارگران فصلی و افراد تازه وارد، اسکان مجدد
 ۲. فرآیندهای اقتصادی: تغییر در نوع فعالیت‌های اقتصادی، تغییر کاربری اراضی، تنوع کشت و تولید، میزان تولید مواد غذایی، فقر و تورم، اشتغال و بیکاری
 ۳. جغرافیایی: گسترش شهرها به درون اراضی و مناطق روستایی، رشد روستاها در درون یا حاشیه شهرها، توسعه حمل و نقل و دسترسی فیزیکی به مناطق روستایی
 ۴. نهادی: تغییر در مالکیت و تصرف اراضی، توسعه بروکراسی و شبکه اداری، تغییرات در میزان استقلال و خودمختاری در روند تصمیم‌گیری‌های محلی و منطقه‌ای
 ۵. سیاسی: مردم‌سالاری، خودکامگی، تمرکز قدرت در دست گروه‌های ممتاز، فقدان شرایط رشد خودگردانی سیاسی

۶. اجتماعی - فرهنگی: توانمندسازی، تسهیل تعامل گروه‌های پایین جامعه درون جامعه مدنی، ایجاد گروه‌های حاشیه‌ای و محروم، تفکیک و تجزیه و ایجاد اجتماعی جدید در درون جامعه

۷. دیگر فرآیندها: بروز رفتارهای غیراخلاقی، ایجاد گروه‌های مخالف، رفتارهای پرخطر، خشم و آلودگی‌های محیطی

در مقابل تغییرات اجتماعی، موضوع اثرات اجتماعی در دو دسته کلی اثرات در سطح فرد - خانواده و اثرات اجتماعی - نهادی به شرح ذیل بررسی شده است (Vanclay, 2003b):

۱. اثرات فردی و خانوادگی: شامل وضعیت دسترسی به غذا، کاهش سلامت روانی و افزایش اضطراب، ترس، از خودبیگانگی، بی‌عاطفگی، بلا تکلیفی در خصوص امکان توسعه پروژه و اثرات احتمالی آن، کاهش امیدواری در خصوص آینده خود و فرزندان، کاهش امنیت و افزایش ریسک و مخاطرات، ادراک از تغییر کیفیت زندگی، رفاه، خویشتن‌شناسی و اعتماد به نفس، امنیت شغلی و تنوع فرصت‌های اشتغال، توسعه شبکه‌های اجتماعی، تغییر در نگرش نسبت به اجتماع محلی، سطح رضایت از همسایگان، تغییر در ساختار خانوادگی، ثبات خانوادگی، طلاق، خشونت‌های خانوادگی، بدتر شدن ارتباطات زناشویی، تغییر در ارزش‌های فرهنگی و کاهش مطبوعیت محیط‌زیست.

۲. اثرات اجتماعی و نهادی: شامل نقض حقوق انسان‌ها و آزادی در بیان نظرات خود، کاهش زیرساخت‌های فیزیکی و کیفیت آن شامل آب مصرفی، سیستم فاضلاب و سایر خدمات و امکانات، کاهش کیفیت زیرساخت‌های اجتماعی، سلامتی، آموزش و رفاه، کم‌رنگ شدن فرهنگ درستکاری و گسترش بی‌حرمتی‌ها، کاهش دسترسی به منابع، گسترش بی‌عدالتی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و یا افزایش توجه و دادگری نسبت به بومیان و گروه‌های اقلیت، افزایش وابستگی، کاهش اختیارات، کاهش تنوع‌زیستی و کاهش کیفیت و قابلیت زیست در محیط اجتماعی، افزایش سطح بیکاری، افزایش تنش‌ها و تضادهای اجتماعی در اثر گسترش دیدگاه‌های متنوع و متضاد در جامعه، کاهش اعتبار و شایستگی سیستم‌های اداری در بین مردم، کاهش سطح مشارکت اجتماعی در فرآیند تصمیم‌گیری و کاهش توانمندی‌ها و اثر بر ارزش‌های اجتماعی و میراث فرهنگی

مراحل ارزیابی اثرات اجتماعی

ارزیابی اثرات اجتماعی مفهومی مجرد نیست و در بردارنده مؤلفه‌ها و عناصری است که در فرآیند به‌کارگیری نمایان می‌شوند. محققان برای آن‌که ادعاهای معرفتی خود را به‌نحوی معتبر ارائه و تفسیر نمایند، باید روش‌شناسی خاصی را به‌کار گرفته که ارزیابی اثرات اجتماعی نیز از این قاعده مستثنی نیست. در تحقیقات مختلف کوشش شده تا مراحل متوالی ارزیابی اثرات اجتماعی تشریح گردیده و

فعالیت‌های قابل انجام در هر مرحله مشخص شوند. از مشهورترین آن‌ها می‌توان به مراحل ارزیابی اثرات ارائه شده از سوی بکر (Backer, 2001) و ونکلی (Vanclay, 2003) اشاره کرد. کمیته بین سازمانی ارزیابی اثرات در دو سند مهم منتشره (ICGPSIA, 2003: 234 ; ICGPSIA, 1994) فرآیندی بسیار مشابه و ده مرحله‌ای را برای ارزیابی اثرات اجتماعی به شرح ذیل ارائه داده است:

۱. طراحی برنامه مشارکت مؤثر تمام افراد و گروه‌های تحت تأثیر پروژه
 ۲. شناسایی گزیدارهای اجرای پروژه برای رسیدن به هدف برنامه
 ۳. شناسایی شرایط پایه و مبنا: جمع‌آوری اطلاعات و داده‌های پایه‌ای و برش‌های اجتماعی، تشریح شرایط موجود در روند گذشته مرتبط با محیط‌زیست انسانی که تحت تأثیر قرار می‌گیرد. در این قسمت محیط‌زیست بیوفیزیکی، سابقه تاریخی، منابع اجتماعی و سیاسی، فرهنگ، نگرش و شرایط روانشناختی اجتماعی، ویژگی‌های جمعیتی بررسی می‌شود.
 ۴. دامنه‌یابی: فعالیت‌های دارای اثرات مختلف شناسایی و توصیف شوند.
 ۵. مطالعه، شناسایی و برآورد و پیش‌بینی تأثیرات احتمالی
 ۶. مطالعه واکنش‌های احتمالی ذینفعان نسبت به اثرات احتمالی
 ۷. ارزیابی و برآورد اثرات ثانویه (غیرمستقیم) و اثرات تجمعی (انباشتی)
 ۸. ارزیابی و سازماندهی گزینه‌های قابل اجراء
 ۹. طراحی برنامه ترمیم، تخفیف و جبران خسارت وارده
 ۱۰. طراحی، توسعه و اجرای برنامه نظارت بر اجرای اقدامات
- فاضلی (۱۳۸۹: ۹۰-۸۷) فرآیندی نه مرحله‌ای برای ارزیابی اثرات اجتماعی ارائه کرده و ذیل هر مرحله اقدامات تحلیلی که باید انجام شود را مشخص ساخته‌اند. این مراحل عبارتند از دامنه‌یابی، شناخت مسأله، صورت‌بندی گروه‌ها، تشریح تأثیرات، ترسیم و پیش‌بینی، ارزیابی، ارزشیابی، ترمیم و جبران نظارت که شرح هر کدام در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱- مراحل اجرای ارزیابی اثرات اجتماعی

| مرحله | اقدامات تحلیلی |
|-------------------|--|
| دامنه‌یابی | تعیین سطح ارزیابی (سیاست/برنامه/طرح)، تعیین جغرافیای تأثیر اقدام، تعیین افق‌های زمانی |
| شناخت مسأله | صورت‌بندی اهداف اقدام، شناسایی اجتماعات ذریبط و دغدغه‌های آن‌ها، ارزیابی نیازها، تعیین معیارهای ارزیابی |
| صورت‌بندی گروه‌ها | تعریف بدیل‌های معقول، شناخت سازمان و ابزارهای انجام اقدام، توصیف نظام‌های فنی، تحلیل عناصر نهادی/ رفتاری اجتماعی و عناصر مرتبط، تحلیل اثرات اقتصادی و زیست‌محیطی، تأثیرات اجتماعی ثانویه |
| تشریح تأثیرات | شناخت انواع تأثیرات، گزینش تأثیرات مهم، تشخیص و اندازه‌گیری شاخص‌های تأثیر، ترسیم تصویری از شرایط اجتماعی |
| ترسیم و پیش‌بینی | تصریح مفروضات در خصوص وضعیت جامعه، تحلیل روند تأثیرات بر جامعه، ساخت مدل‌های دینامیک از سیستم، تخمین زدن شاخص‌های تأثیر برای گزینه‌های مختلف |
| ارزیابی | تحلیل حساسیت برای نتایج مختلف گزینه‌های مختلف، تحلیل تأثیرات ناشی از تعامل تأثیرات مختلف بایکدیگر، توصیف و بازنمایی تأثیرات مهم |
| ارزشیابی | شناسایی مجدد اجتماعات متأثر از اقدام و دغدغه‌های ایشان، صورت‌بندی مجدد معیارهای ارزیابی، مرتب کردن و وزن دادن به گزینه‌های بدیل، مقایسه گزینه‌ها در برابر یکدیگر، شناسایی گزینه‌های برتر |
| ترمیم و جبران | بررسی تأثیرات غیر قابل اجتناب و ناخوشایند، شناسایی اقدامات اصلاحی ممکن، انجام تحلیل حساسیت روی اقدامات ممکن |
| نظارت | اندازه‌گیری تغییرات واقعی در مقابل اقدامات پیش‌بینی شده، بازخورد دادن اندازه‌گیری‌ها به سیاست‌گذاران و عموم مردم، تنظیم و تعدیل اهداف برنامه‌ها، روال‌های اجرایی و ویژگی‌های طراحی اقدام |

منبع: فاضلی (۱۳۸۹)

اجرای ارزیابی راهبردی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی شامل شش مرحله دامنه‌یابی، گردآوری و مرور داده‌های جزئی، ارزیابی ریسک و مخاطرات زیست‌محیطی، شناسایی اثرات و ابعاد، نظارت و تخفیف اثرات و در نهایت پایش و مدیریت است (Azeri, Chirag and Gunashli Project, 2002: 3). در گام نخست دامنه اثرات شناسایی و سطوح تأثیر پروژه و موضوعات مهم و کلیدی بررسی می‌شوند. در مرحله بعد با گردآوری و مرور دقیق داده‌های جزئی پروژه، شرایط اولیه و پایه موجود

در منطقه اجرای پروژه شامل کلیه موضوعات زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی تشریح و تبیین می‌شود.

در مرحله سوم با حضور کنشگران، مدیران و متخصصان میدانی، کارگاه ارزیابی ریسک و مخاطرات زیست‌محیطی برگزار می‌شود. در سال‌های اخیر استفاده از روش‌های مختلف پیش‌بینی، شناسایی و کنترل خطرات برای جلوگیری از خسارات ناشی از توسعه صنعتی بسیار متداول است. برای رسیدن به این هدف در این مرحله با تمرکز بر خطرات بالقوه موجود در سیستم عواملی که باعث آزادسازی این خطرات می‌شوند؛ وقایعی که در پی این آزادسازی رخ داده و عواقب آن شناسایی می‌شود؛ در نهایت ریسک‌های زیست‌محیطی موجود بر اساس ماتریس ریسک و فرم‌های استاندارد و مخصوص استخراج و اولویت‌گذاری می‌شوند.

مرحله چهارم باید اثرات احتمالی ناشی از اجرای پروژه تشخیص داده شود. این اثرات شامل انواع اثرات تجمعی منطقه‌ای و فرامرزی است که در همین مقاله توضیح داده شد. فاز بعدی یکی از مراحل مهم ارزیابی اثرات یعنی برنامه تخفیف و کاهش اثرات است که می‌توان گفت هدف اساسی ارزیابی اثرات نیز همین مرحله است. اجرای موفق برنامه‌های تخفیف اثرات به میزان موفقیت در شناسایی اثرات بستگی دارد. بنابراین لازم است کلیه فعالیت‌ها و عملیات‌های گزیدار برای کاهش اثرات نامطلوب شناسایی شوند. در فاز پنجم مطالعات صورت گرفته و همچنین نتیجه مذاکره با کنشگران و ذینفعان پروژه مرور مجدد و جمع‌بندی می‌شود و در نهایت در فاز پایش و مدیریت، رویه‌های تدوین شده مورد بازبینی و پایش جامع قرار می‌گیرد و اصلاحات مورد نیاز اعمال می‌شود.

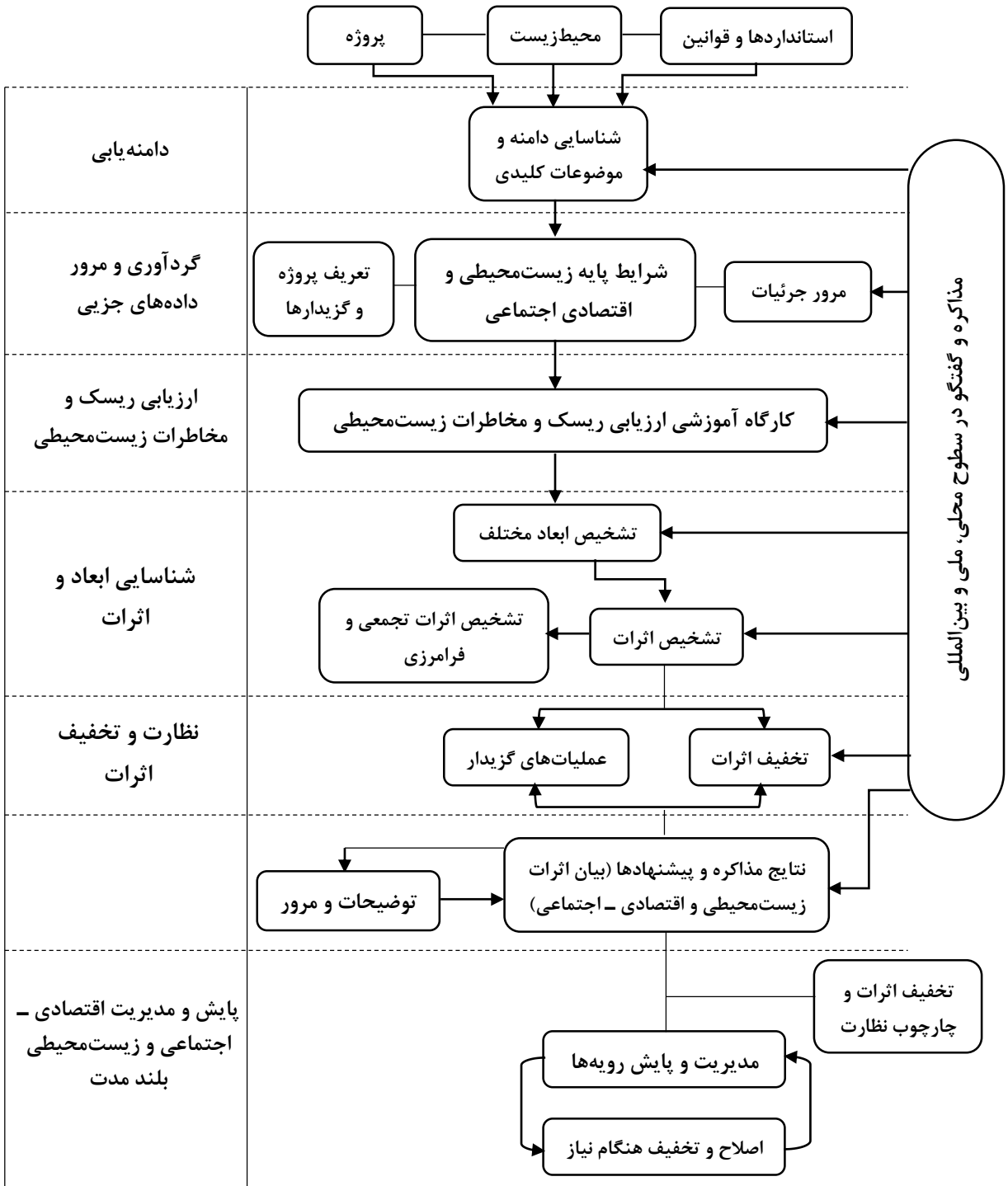
چنان که در نگاره (۲) مشخص است مشارکت عمومی جایگاهی محوری در ارزیابی اثرات اجتماعی دارد و مذاکره و گفتگو با جامعه میزبان پروژه، بهره‌برداران، ذینفعان و صاحبان اراضی تحت نفوذ پروژه، اعضای نظام اجتماعی در سطح محلی و سازمان‌های مردم‌نهاد در فرآیند اجرای ارزیابی در جریان بوده و در سطوح ملی و بین‌المللی در تمام مراحل برنامه دنبال می‌شود. زیرا یکی از کارکردهای ارزیابی اثرات اجتماعی، آماده‌سازی مردم برای مشارکت و تسهیل روابط ذینفعان، مدیران و کارشناسان پروژه است.

مشارکت عمومی در ارزیابی، کمتر از خود ارزیابی نیست و باعث می‌شود ارزیابان و تصمیم‌گیران نسبت به ارزش‌ها، ادراک‌ها، علاقه و دانش مردم محلی حساس بوده، از مباحث آزاد و تشخیص گروه‌های آسیب‌پذیر و کمتر برخوردار حمایت کرده و این واقعیت را که ذینفعان مختلف به اثرات یک پروژه از ابعاد متنوع و متفاوت می‌پردازند، مورد توجه قرار دهند (Lockie et al., 2009: 333). ترکیب و هم‌افزایی رهیافت‌های فنی و مشارکت اجتماعی باعث توانا ساختن مدافعان و تصمیم‌گیران

یک برنامه برای اتخاذ تصمیم‌های مسئولانه اجتماعی از طریق درگیر کردن گروه‌های تحت تأثیر پروژه می‌شود. بنابراین قضاوت‌های گروه‌های متأثر بایستی بخشی جدایی‌ناپذیر از ارزیابی تلقی شده و به صورت جامع و تلفیقی بررسی شوند. توجه به ارزش‌های عمومی و اهداف اجتماعی در فرآیند تصمیم‌گیری ارزیابی، به ترویج روحیه پاسخگویی مدیران، افزایش اثربخشی پروژه و برابری و توانمندسازی مردم کمک می‌نماید.

نتیجه‌گیری

توسعه فرآیندی است که همه سیستم‌های طبیعی، اقتصادی و اجتماعی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. ارزیابی اقدامات صورت گرفته با ماهیت توسعه‌ای نشان می‌دهد که بی‌توجهی به ارزیابی تأثیر پروژه‌ها و برنامه‌های توسعه در سطوح مختلف تبعات فراوانی را در بخش‌های مختلف اجتماع به بار می‌آورد. پیشینه ارزیابی اثرات دارای سابقه بیش از ۵۰ سال در جهان می‌باشد، ولی در ایران هنوز توجه به ارزیابی اثرات بخصوص اثرات اجتماعی پروژه‌ها نهادینه نشده است و مطالعات چند سال اخیر نیز بیشتر بر ارزیابی اثرات اجتماعی پروژه‌های توسعه شهری و صنایع نفت و گاز متمرکز شده است. با توجه به این که مفهومی انسانی و اجتماعی تر از توسعه در طول سه دهه گذشته بسط یافته و دغدغه‌های اصلی همه کشورها رسیدن به توسعه پایدار است، تلاش‌ها نیز باید بر شرح و بسط این ایده و شناسایی ابزارهایی برای نیل به چنین توسعه‌ای باشد. در این تحقیق مشخص شد که ارزیابی اثرات اجتماعی یک ابزار و یا پارادایم برای تحقق این مفهوم تدارک دیده است. زیرا هدف از برآورد پیامدهای اجتماعی حصول اطمینان از این موضوع است که پروژه‌های توسعه بیشترین بازده اجتماعی و کم‌ترین هزینه‌ها را بر اجتماع محلی و گروه‌های آسیب‌پذیر داشته باشند.



نگاره ۲- فرآیند ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و اقتصادی - اجتماعی

فهرست منابع:

۱. بدری، سیدعلی. و رکن‌الدین افتخاری، عبدالرضا (۱۳۸۲). ارزیابی پایداری: مفهوم و روش. *تحقیقات جغرافیایی*، دوره ۱۸، ش ۲، صص: ۳۴-۹.
۲. خورشیددوست، علی (۱۳۸۲). حاشیه‌ای بر تکنیک‌های ارزیابی پیامدهای زیست‌محیطی پروژه‌های عمرانی. *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، ش ۱۴۷، صص: ۲۲۵-۲۲۲.
۳. رضوانی، محمدرضا (۱۳۷۹). ارزیابی اهداف، سیاست‌ها و برنامه‌های عمران روستایی در برنامه پنج ساله دوم توسعه کشور با تأکید بر ساماندهی فضاها و مراکز روستایی. *پژوهش‌های جغرافیایی*، ش ۳۸، صص ۳۳-۴۶.
۴. وان شوتن، مارلیس؛ ونکلی، فرنک. و اسلوتوگ، رول (۱۳۸۸). مفهوم‌پردازی فرآیند تغییر اجتماعی و پیامدهای اجتماعی، در راهنمای بین‌المللی برآورد پیامدهای اجتماعی، مترجم: هادی جلیلی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۵. فاضلی، محمد (۱۳۸۹). *ارزیابی تأثیرات اجتماعی*. تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
۶. عربیون، ابوالقاسم (۱۳۸۵). دانش بومی: ضرورتی در فرآیند توسعه و ترویج. *روستا و توسعه*، سال ۹، ش ۱، صص ۱۳۶-۸۱.
۷. مجتهد، احمد. و حسن‌زاده، علی (۱۳۸۰). پایش و ارزیابی طرح‌های یکپارچه روستایی: مطالعه موردی حوزه آبریز جبله‌رود. *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، سال ۹، ش ۳۶، صص: ۷۴-۴۵.
۸. منوری، سیدمسعود (۱۳۸۷). *ارزیابی اثرات زیست‌محیطی*. چاپ دوم، تهران: انتشارات میترا.
9. Asselin, J. and Parkins, J.R (2009). Comparative case study as social impact assessment: Possibilities and limitations for anticipating social change in the Far North. *Social Indicators Research*, 94(3): 483-497.
10. Azeri, Chirag and Gunashli Project (ACG). (2002). **Environmental and socio-economic impact assessment methodology**. Available at: subsites.bp.com/caspian/ACG/Eng/esia1/chp03.pdf. Pp:1-13
11. Becker, H.A (2001). Social impact assessment. *European Journal of Operational Research*, 128(2):311-321.
12. Cloquell-Ballester, V-A., Cloquell-Ballester, V-A., Monrde-Díaz, R. and Santamarina Siurana, M-C (2006). Indicators validation for the improvement of environmental and social impact quantitative assessment. *Environmental Impact Assessment Review*, 26(1):79-105.
13. Heikkinen, T. and Sairinen, R (2007). **Social impact assessment in regional land use planning, best practices from Finland**. Nordic Research Programme Report 2005-2008, Report: 3, Available at: www.nordregio.se.
14. Interorganizational Committee on Guidelines and Principle for Social Impact Assessment (ICGPSIA) (1994). **Guidelines and principle for social impact assessment**. U.S. Department of Commerce, National Oceanic and Atmospheric Administration and National Marine Fisheries Service. Available at: www.nmfs.noaa.gov/sfa/social_impact_guide.htm.

15. Interorganizational Committee on Guidelines and Principle for Social Impact Assessment (ICGPSIA) (2003). Principle and guidelines for social impact assessment in the USA. *Impact assessment and project appraisal*, 21(3): 231-250.
16. Lockie, S., Franettovich, M., Petkova-Timmer, V., Rolfe, J. and Ivanova, G (2009). Coal mining and the resource community cycle: A longitudinal assessment of the social impacts of the Coppabella coal mine. *Environmental Impact Assessment Review*, 29(5): 330-339.
17. Momtaz, S (2005). Institutionalizing social impact assessment in Bangladesh resource management: Limitations and opportunities. *Environmental Impact Assessment Review*, 25(1):33-45.
18. Pisani, J.A. and Sandham, L.A (2006). Assessing the performance of SIA in the EIA context: A case study of South Africa. *Environmental Impact Assessment Review*, 26(8):707-724.
19. Score, M (1995). Social impact assessment in extension education programming. *Journal of Extension*, 33 (6). Available at: www.joe.org/joe/1995december/tt2.php
20. Sloodweg, R., Vanclay, F. and Schooten, M (2001). Function evaluation as a framework for the integration of social and environmental impact assessment. *Impact Assessment and Project Appraisal*, 19 (1):19-28.
21. Tang, B., Wong, S. and Lau, M.C (2008). Social impact assessment and public participation in China: A case study of land requisition in Guangzhou. *Environmental Impact Assessment Review*, 28(1):57-72.
22. Tilt, B., Braun, Y. and He, D (2009). Social impact of large dam projects: A comparison of international case studies and implications for best practice. *Journal of Environmental Management*, 90(3):249-257.
23. Vanclay, F (2002). Conceptualising social impacts. *Environmental Impact Assessment Review*, 22(3):183-211.
24. Vanclay, F (2003a). International principles for social impact assessment. *Impact Assessment Project Appraisal*, 21(1):5-11.
25. Vanclay, F (2003b). **Social impact assessment. Environmental and social assessment for large dams.** (working paper of the World Commission on Dam), Available at: www.dams.org/docs/kbase/contrib/ins220.pdf.
26. Vanclay, F (2004). The triple bottom and impact assessment: how do TBL, EIA, SIA, SEA and EMS Relate to each other. *Journal of Environmental Policy and Management*, 6(3):265-288.
27. Vanclay, F (2005). **Engaging communities with social impact assessment: SIA as a social assurance process.** International conference on engaging communities, 14-17 August 2005, brisbane convention & exhibition centre queensland, Australia, Available at: www.engagingcommunities2005.org/Vanclay-Frank-final.pdf.
28. Vanclay, F (2006). Principles for social impact assessment: A critical comparison between the international and US documents. *Environmental Impact Assessment Review*, 26(1):3-14.
29. Walker, J.L., Mitchell, B. and Wismer, S (2000). Impacts during project anticipation in Molas, Indonesia: Implications for social impact assessment. *Environmental Impact Assessment Review*, 20(5):513-535.